

رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی کشور ایران

عبدالکریم انصاری

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار جغرافیای روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پیروز مجتهدزاده

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

چکیده

هدف اصلی این پژوهش عبارت است از تبیین رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چالش‌های امنیت ملی ایران در عراق بعد از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ چه بوده است؟ روش تحقیق از نظر نوع، آمیخته (دو فاز کیفی و کمی) است. بخش کیفی مبتنی بر کدگذاری چند مرحله‌ای است. بخش کمی از نظر نوع توصیفی پیمایشی، از نظر هدف کاربردی خواهد بود. جامعه آماری شامل متخصصان و صاحب نظران فعال در حوزه علوم سیاسی و روابط بین الملل خواهد بود. نمونه آماری برابر ۳۷۱ نفر از اساتید علوم سیاسی و دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین الملل و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب خواهند شد. ابزار پژوهش شامل روش‌های مصاحبه (رونوشت)، روش دلفی و پرسشنامه است. جهت روایی ابزار پژوهش ابتدا از کارشناسان علوم سیاسی و روابط بین الملل جهت ارزیابی محتوایی و صوری نظرخواهی خواهد شد. سپس پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ در مرحله مقدماتی (مطالعه راهنما) و پایایی ارزیابی خواهد شد. نهایتاً ساختار پرسشنامه و سازه پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی خواهد شد.

کلمات کلیدی: رقابت‌های ژئوپلیتیکی، قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، عراق، امنیت ملی، ایران.

مقدمه

خاورمیانه، در سال‌های اخیر به‌خصوص از سال ۲۰۱۱ به بعد تبدیل به منطقه‌ای شده است که متأثر از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با وضعیت هرج و مرج گونه‌ای مواجه است که می‌توان آن را نمونه‌ای از وضعیت آنارشیک حاکم بر منطقه دانست. از آنجایی که سیستم منطقه‌ای، آنارشیک است، دولت‌هایش به ناگزیر برای تأمین امنیت، در تکاپوی افزایش قدرت‌اند (اسماعیل زاده و احمدی، ۱۳۹۵). در یک سیستم آنارشیک و خودیار، دولت‌ها، تنها با توسل به قدرت‌شان می‌توانند نسبت به بقای خود خاطر جمع شوند. افزایش قدرت دولت‌ها یا با توسل به منابع درونی و یا از طریق پیوستن به متحدین بیرونی است که انجام می‌پذیرد؛ اما تلاش یک دولت برای افزایش قدرت ممکن است تبعاتی ناخواسته برای امنیت دیگر دولت‌ها داشته باشد و دولت‌ها هرگز نمی‌توانند نسبت به نیات و مقاصد یکدیگر مطمئن شوند. علاوه بر شرایط آنارشیک، در خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین وجود ذخایر و منابع عمده معدنی و نفتی به مکانی برای منازعه و رقابت بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است که هر کدام از قدرت‌ها چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌الملل تلاش می‌کنند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که منافع حداکثری خود را تأمین کنند (ایزدی، ۱۳۹۳).

در سطح بین‌الملل و در نتیجه تغییرات به وجود آمده در سیاست خارجی آمریکا در دوره اوباما و تمرکز بر منطقه آسیا و همچنین کشف میادین نفتی در آمریکا، از اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا کاسته شد. در راستای تمایل دولت اوباما برای کاهش مداخله در مسائل پیچیده خاورمیانه، در چهارچوب سیاست برقراری توازن منطقه‌ای، واشنگتن دست دولت‌های متحد خود در منطقه خاورمیانه یعنی عربستان سعودی را باز گذاشت تا با هزینه خود و بدون دخالت و حضور آمریکا در منطقه، نظم مورد نظر خود و آمریکا را ایجاد و حفظ کنند (پوراحمدی و منصوریان، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۶). عراق ناحیه رسوبی و پهناوری که یونانیان به آن «مزوپوتامیا» می‌گفتند از رسوبات دو رود دجله و فرات به وجود آمده است. ترتیب آبیاری مسلمانان در عراق که از ساسانیان به ارث برده بودند، ناحیه عراق را یکی از خرمترین بلاد معمور جهان ساخته بود. اعراب مسلمان جلگه بین‌النهرین را از مازاد آب فرات که به چندین نهر می‌ریخت و در جلگه بین‌النهرین جاری می‌شد و به دجله می‌ریخت، آبیاری می‌کردند (قرچانلو، ۱۳۸۵: ۲۴۷). در پی جنگ جهانی اول، بخش جنوبی امپراتوری عثمانی، شامل سه استان بغداد، موصل و بصره با پادریانی سیاستگذاری خارجی - که بریتانیا در آن نقش بنیادی داشت به صورت کشوری مستقل درآمد. این امر که با حضور قوای نظامی انگلیس در آن سرزمین همراه بود پس از تشکیل کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹) و کنفرانس سان ریمو (۱۹۲۰) به قدرت استعماری کشور مزبور فرصت داد تا در سرزمین‌های دیگر خاورمیانه و از آن میان، فلسطین نیز، اعمال نفوذ کند و واکنش‌هایی را که در کل منطقه به وجود آورد انقلاب ۱۹۲۰ میلادی عراق که استقلال خواهی مردم بویژه شیعیان و ایرانی تباران آن چشمگیر بود، پدید آمد، رژیم سرکار آمده (ملک فیصل) مورد قبول مردم عراق نبود، نخستین حرکت خود را در سال ۱۹۲۱ میلادی با تبعید علمای شیعه به ایران و درگیری‌های مرزی و سیاسی - با دولت ایران آغاز کرد و با تصویب قانون تابعیت از سال ۱۹۲۴ میلادی، به مشکلات مجاوران و

زائران ایرانی «عتبات عالیات» دامن زد. این امر تاکودتای نظامیان عراق عیله سلطنت و تغییر رژیم ادامه داشت و از آن تاریخ به بعد شکل دیگری پیدا کرد. (تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۷۲) از یک نگاه کلی و از زاویه منافع ملی ایران، عراق یک کشور چند قومی، از لحاظ جغرافیایی ساختگی و محصول سیاست خارجی دولت انگلیس است که برای حفظ تعادل قدرت در منطقه و عمدتاً کنترل قدرت ایران پدید آمد. در طول دهه‌های گذشته، تعریف نقش مسلط سنی‌ها در حاکمیت عراق و ترکیب آن با ایدئولوژی حزب بعث، نگرانی‌ها و هزینه‌های امنیتی فراوانی برای منافع ملی ایران به همراه داشته است (برزگر، ۱۳۸۳: ۳۹).

به طور کلی عراق یک کشوری است که از سه بخش تشکیل شده است که در شمال آن اقلیت کرد، در جنوب آن شیعیان و در مرکز این کشور نیز سنی‌ها هستند. روابط سیاسی ایران و عراق هم از دیرباز به طور مداوم از فراز نشیبهایی برخوردار بوده است، به طوری که در قبل از انقلاب قراردادهایی نیز با این کشور همیشه وجود داشته است، اما بعد از انقلاب روابط سیاسی ایران و عراق به طور جدی وارد مرحله نوینی شد که با شروع جنگ عراق علیه ایران این روابط سیاسی تیره شد، چراکه روابط سیاسی و تجاری و فرهنگی این دو کشور به طور کلی قطع شده بودند و فقط سفارت خانه‌های دو کشور در زمان جنگ به صورت صوری باز بودند. و این خود یکی از محدود اتفاقات تاریخ جنگ‌های بین‌المللی است که سفارت دو کشور در حال جنگ باز باشد. با پایان جنگ روابط این دو کشور به روال قبلی خود ادامه یافت، تا اینکه با حمله آمریکا به این کشور و سقوط رژیم بعثی و صدام حسین روابط جدیدی بین دو کشور ایران و عراق آغاز شد. بطوری که از جمله روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی که می‌توان در پاسخ به سوالی که در ابتدا مطرح شد گفت: که روابط بین دو کشور ایران و عراق به طور محسوسی معکوس بوده زیرا روابط دوران جنگ و بعد از سقوط صدام کاملاً متفاوت از هم بوده اند.

رویکرد نظری

ژئوپولیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پولیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی همانند «سیاست جغرافیایی»، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا سیاست‌شناسی» برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن «جیوپالیتیکس»^۱، در آلمانی به خاستگاه اصلی آن، «گئوپولیتیک»^۲ و در فرانسوی «ژئوپولیتیک»^۳ اطلاق شده است. در اصطلاح، «ژئوپولیتیک» رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی بر حسب محیط طبیعی است؛ بنابراین، رویکرد ژئوپولیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تاثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی می‌باشد (پلینو و روی آلتون، ترجمه حسن پستا، ۱۳۷۵). به طور خلاصه معنای لغوی ژئوپولیتیک سیاست زمینی است. در فرهنگ لغت لاروس فرانسه در تعریف از ژئوپولیتیک آمده است که «دانشی است که روابط بین جغرافیای دولت‌ها و سیاست‌های آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد». اصولاً ژئوپولیتیک درصدد تبیین این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی از جمله سرزمین،

^۱ - Geopolitics

^۲ - Geopolitike

^۳ - geopolitique

جمعیت، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی بر روابط کشورها و تلاش آن‌ها برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران موثر است (قاسمی، ۱۳۹۴). این واژه برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کلین استاد علوم سیاسی دانشگاه اوپا لا که تحت تاثیر کتاب جغرافیای سیاسی فردریک راتزل و کتاب تاثیر نیروی دریایی در تاریخ آلفرد ماهان قرار داشت ارائه شد. منظور وی این واژه مطالعه ساختار جغرافیایی حکومت بود. در طول نیمه اول قرن بیستم واژه ژئوپلیتیک به عنوان یکی از موضوعات مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی عمدتاً به نقش عوامل جغرافیای در تعیین سیاست خارجی یک کشور اشاره داشت و نظریه‌هایی هم که در این دوره توسط علمای ژئوپلیتیک ارائه شد مثل هارتلند میکندر، فضای حیاتی‌هاوس هوفر و ریملند اسپایکمن ناظر بر همین معنا بود. در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و شکست آلمان نازی، مطالعات ژئوپلیتیک به دلیل ذهنیت نامطلوبی که در ارتباط با حزب نازی و ژئوپلیتیک خاص آلمان به وجود آمده بود متوقف شد و جغرافیدانان آمریکایی به ویژه تمرکز مطالعاتی خود را در سطح حکومت و چگونگی حفظ تمامیت ارضی آن قرار دادند (ایزدی، ۱۳۹۰).

تنها کتاب سائول کوهن که تحت عنوان جغرافیا و سیاست بین الملل و خصوصیات جغرافیایی کشورها وجود دارد تعریف نموده که به تعاریف سنتی از این اصطلاح نزدیک بود. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ اگرچه واژه ژئوپلیتیک به دلیل کاربرد فراوان آن در سخنرانی‌ها توسط کسینجر احیاء شد ولی وضعیت محتوای جغرافیایی آن مشخص نبود. در همین سالها ایولاکست جغرافی دان فرانسوی در انتشارات خود تعریف دقیق تری از اصلاح ژئوپلیتیک ارائه داده درگیری و رقابت میان گروه‌ها بر سر سرزمین نه فقط به دلیل اقتصادی بلکه به دلیل تاریخی، ملی و روانی، بنابراین ایولاکست مطالعات ژئوپلیتیک را نه فقط منحصر به مقیاس جهانی بلکه در مقیاس منطقه‌ای و درون کشوری هم ممکن می دانست (میر حیدر، ۱۳۹۴).

ژئوپولیتیک به عنوان «دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ» دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی در صدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آنها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می دهد آنها برای تصرف فرصتها و مقدرات در مکان و فضاهای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه بیرون برانند (حافظ نیا، ۱۳۸۹). رویکرد ژئوپولیتیک با درجات مختلف بیانگر تاثیر قطعی و جبری جغرافیا در امور تاریخی و سیاسی است. گروهی معتقدند که ژئوپولیتیک رابطه جغرافیای طبیعی و انسانی بر سیاست داخلی و خارجی را مورد توجه قرار میدهد. عده ای دیگر ژئوپولیتیک را رابطه ای بین عوامل طبیعی و سیاست یک کشور میدانند. برخی دیگر ژئوپولیتیک را رابطه بین اوضاع جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها می‌دانند و معتقدند ژئوپولیتیک مطالعه آثار و نتایجی است که عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاست یک کشور می‌دانند- (الهی، ۱۳۹۴).

ژئوپلیتیک بر آن بخش از دانش جغرافیا تاکید میکند که با قدرت و سیاست پیوند می خورد. در واقع جوهر ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل میدهد. چه در فرایندهای تولید فضایی و جابجایی قدرت و چه در ارتباط با ساختار جهانی قدرت،

دانش ژئوپلتیک است که به این مسائل می‌پردازد. از این رو می‌توانیم ژئوپلتیک را دانشی بدانیم که به مطالعه ابعاد فضائی - جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی، می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹).

ژئوپلتیک یا سیاست جغرافیایی توجه خود را عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاستها موثرند معطوف می‌دارد. در مطالعات ژئوپلتیکی جغرافیدانان اغلب با برقراری رابطه بین عوامل جغرافیایی طبیعی به خصوص (موقعیت، وسعت، جمعیت، منابع و غیره) و سیاست یک کشور سعی می‌کنند به تفسیر و قابع و رویدادهای تاریخی پرداخته، وقایع آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین نمایند به این ترتیب برای عوامل جغرافیایی اهمیت فراوان قایل بوده، آن عوامل را حاکم بر مقدرات و سرنوشت سیاسی ملت‌ها می‌دانند (سنجایی، ۱۳۹۰). برای مثال، یک واقعیت جغرافیایی مانند ذخایر معدنی و با یک گروه اقلیت قومی زبانی که محرک یک تصمیم‌گیری سیاسی در سطح بین‌الملل گردد یک عامل ژئوپلتیک محسوب می‌گردد.

تحلیل ژئوپلتیک

ژئوپلتیک بخشی از علوم جغرافیایی است که به تحلیل مسایل منطقه‌ای و جهانی و ارتباط متقابل آن با ساختار اقتصادی و سیاسی محلی می‌پردازد. در ژئوپلتیک یا سیاست‌های جغرافیایی که معنای لغوی آن سیاست زمین است نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود. جغرافیدانان سیاسی معتقدند قدرت به شدت متأثر از عوامل محیط جغرافیایی است چنین طرز تفکری یک پدیده نو نیست، بلکه ریشه در تاریخ دارد. از نظر عالمان این رشته تحول در چهره خارجی زمین موجب ایجاد روابط انسانی متنوعی شده است. لذا برای ارائه تحلیل واقع بینانه‌ای درباره ژئوپلتیک باید برای داده‌های طبیعی اهمیتی محدود قائل شویم. تحولات و دگرگونی‌هایی که در تاریخ سیاسی واحدهای کوچک جغرافیایی به وجود آمده سبب شده که امروز دیگر ژئوپلتیک تنها به معنای رقابت استراتژیها در ابعاد جهانی نباشد. در حقیقت ژئوپلتیک مجموعه پیچیده نیروهای متخاصم و متعددی است که در سرزمین‌هایی با ابعاد کوچک به کشمکش می‌پردازند هدف آنان از این کشمکشها یا اثبات تفوق سیاسی خود یا بیرون راندن رقبای سیاسی از صحنه است. بنابراین در هر گونه تحلیل که بر مبنای قواعد ژئوپلتیکی استوار باشد ناگزیر باید دو دسته از اطلاعات را جمع‌آوری و مورد بررسی قرار داد (بخشایش اردستانی، ۱۳۹۶).

۱- ادراک تقابل استراتژیها یا فهم فضایی قدرتهای دیگر.

۲- ویژگی‌های مکان‌ها و سرزمین‌های که صحنه اصلی رقابت قدرت به شمار می‌روند.

استراتژی ملی کشورها فقط بستگی به تمایلات، افکار و عقاید رهبران و کارگزاران ارشد سیاسی ندارد، بلکه عوامل متعدد جغرافیایی (ژئوپلتیک) در اتخاذ سیاست خارجی و استراتژی ملی کشورها موثر بوده، تاثیر این عوامل را خواه ناخواه باید پذیرفت (سنجایی، ۱۳۹۰). عواملی که در ژئوپلتیک موثرند به دو دسته کلی، عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم بندی می‌گردند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است برخی از آنها نیز منشا طبیعی داشته باشند به دلیل مطرح بودن نقش کمیت در آنها جزو عوامل متغیر محسوب

می‌گردد. موقعیت جغرافیایی در بین عوامل ثابت و انسان در بین عوامل متغیر نقش دو قطب اصلی را در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی ایفا می‌کنند (عزتی، ۱۳۹۰).

در ژئوپولیتیک، واحد مطالعه منطقه است. در این دیدگاه پدیده‌های سیاسی در چارچوب «حوزه جغرافیایی» آن بررسی می‌شوند؛ اما دیدگاه‌های مختلف در رابطه با خاورمیانه وجود دارد که از جمله میتوان، خاور میانه اصطلاحی است که پس از جنگ جهانی دوم رایج شد و گرچه اختلاف نظرهایی در رابطه با گسترده‌ی آن وجود دارد، چه از این لحاظ که آیا این اصطلاح باید محدودتر شده و کشورهای عربی آفریقایی مانند مصر مستثنی سازد و چه از این لحاظ باید گسترده‌تر شده و جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی را شامل گردد، تعریف آن اغلب با مسامحه صورت می‌گیرد. اکنون این منطقه در کاربرد رایج خود کشورهای عربی غربی آسیا و شمال آفریقا - یعنی اعضای اتحادیه عرب - و ایران ترکیه و اسرائیل را در بر می‌گیرد (فاست، ۱۳۸۶).

منطقه مورد مطالعه

به نظر برنارد لوتیس، اصطلاح خاورمیانه را نخستین بار ماهان در اشاره به منطقه‌ای میان عربستان و هند یعنی خلیج فارس مورد استفاده قرار داد که مناسب و ویژه‌ای برای استراتژی دریایی داشت. (کمپ، هارکاو، ۱۳۸۳، ۶۹) کاربرد پیاپی اصطلاح خاورمیانه در بیانیه‌ها و در میان افراد نظامی به منظور توضیح وضع منطقه، آن را در میان اقشار وسیعی از مرد فراگیر کرد. تداوم تنش سیاسی در منطقه و اهمیت اساس استراتژیک آن سبب شده است که این اصطلاح همچنان کاربرد داشته باشد. (بیومن، بلیک، واگ استاف، ۱۳۶۹) نظریه پردازان ژئوپولیتیک منطق را بر اساس ویژگی‌های ژئوپولیتیک آنها مطالعه می‌کنند. آلفرد ماهان بر نقش مناطق دریایی و هالفورد مکیندر بر نقش مناطق خشکی تاکید می‌کند. سایر نظریه‌ای ژئوپولیتیک ملهم از این دو نفر است. هالفورد مکیندر بر نقش مناطق خشکی تاکید می‌کند هالفورد مکیندر، نظریه «هارتلند» یا قلب زمین را مطرح کرد. به نظر وی منطقه اروپا شرقی، هارتلند محسوب می‌شد. در نظریه مکیندر: خاور میانه جزء مناطق هلالی شکل محسوب می‌شد و به همین دلیل همواره جز مناطق کلیدی کشمکش بین شوروی و آمریکا بود. دکتر معروف روسای جمهوری آمریکا مانند دکتر ترومن و آیزنهاور در همین جهت بود. در سالهای بعد یکی دیگر از نظریه پردازان ژئوپولیتیک به نام ان. جی. اسپایکمن با ایجاد تغییراتی در نظریه هارتلند نظریه ریمیلند (مناطق حاشیه‌ای) را ارائه کرد. وی بر این باور که هر دولتی مناطق ریمیلند را کنترل کند بر جهان حکومت خواهد کرد. اس. بی کوهن نظریه «کمربندهای شکننده» را مطرح کرد که منطقه خاورمیانه در جای می‌گرفت. بر اساس این نظریه خاورمیانه میان دو ابرقدرت بری (شوروی) و بحری (آمریکا) قرار دارد و لذا در زیر فشار این دو قدرت خرد می‌شود (ولدانی، ۱۳۸۸).

منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه که به تاسی از رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا مد ظله العالی در ادامه از آن به منطقه غرب آسیا یاد خواهد شد، یکی از مراکز جغرافیایی است که میتواند مصداق عینی خوبی برای موضوع تحولات نوین مخرب در دین باشد.

در منطقه غرب آسیا به دلیل اینکه خاستگاه ادیان بزرگ الهی (اسلام مسیحیت و یهودیت) بوده همیشه دین و مذهب عنصری موثر و تاثیرگذار در همه تصمیم‌های اتخاذ شده توسط قدرتهای جهانی و حاکمان سرزمین‌های واقع در این مناطق بوده است که این مولفه در دهه‌های اخیر به واسطه پدیدار شدن زیر شاخه جدیدی تحت عنوان بنیادگرایی دینی، نقش پررنگتری در تحولات منطقه بازی نموده و حتی در سالهای اخیر پدیده مذکور (بنیادگرایی دینی و مذهبی) زیرشاخه‌های متعددی یافته که بعضاً تضادهای عمیقی نیز با یکدیگر پیدا کرده و این تعارض گروه‌های بنیادگرا با دولتهای حاکم در منطقه (و حتی تضاد آنها با یکدیگر) موجب برهم زدن معادلات سیاسی و نظم حاکم در منطقه گردیده است (جهانی راد و حاجی زاده، ۱۳۹۵).

به طور مثال، تروریسم و گروه‌های بنیادگرای ضد نظم کنونی در خاورمیانه همچون داعش، القاعده و طالبان که خود محصول بدعت‌های جدید در دین و مذهب و انباشت منازعات و بحرانها در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا (که از گروه‌های قومی و مذهبی متنوعی همچون اعراب سنی، کردها و شیعیان که به لحاظ فرهنگی، قومی، مذهبی و تاریخی با یکدیگر قرابت و وجوه مشترکی دیرینه ای دارند، تشکیل شده) بوده اند، چنان تکثیر پیدا کرده اند که اولاً در جغرافیای متنوعی در حال نبرد برای ایجاد خلافت خود خوانده به اصطلاح اسلامی خود هستند به طوری که اقدام به مرز زدایی در کشورهایی چون عراق و سوریه کرده اند و دوماً، این گروه‌ها چنان گسترش پیدا کرده اند که در حال انتقال منازعه به خارج از مرزهای منطقه یادشده هستند. به طوری که این گسترش فرمانطقه ای منازعه را در حوادث تروریستی اخیر در فرانسه و دیگر نقاط اروپا شاهد بوده ایم که این رویدادها بیانگر نقش غیر قابل انکار مولفه دین و مذهب در شکل گیری حوادث و هدایت فعالیتهای بعدی است (جهانی راد و حاجی زاده، ۱۳۹۵: ۶۴). امروزه معضل چالش تحرکات افراطی گرایانه مذهبی با توجه به گسترده جغرافیایی و مذهبی آن در منطقه جنوب غرب آسیا است که دارای کانون ظرفیت‌های بالای تنش برای سناریو سازی جهت بهره برداری گروه‌های افراطی مذهبی می باشد.

کشور عراق بر پایه قانون اساسی این کشور دارای مساحت ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع است که در رتبه ۵۷ از نظر وسعت در جهان قرار دارد؛ ۴۳۲۱۶۲ کیلومتر مربع آن خشکی و ۴۹۱۰ کیلومتر مربع آن نیز آبی شامل: دریاچه، باطلاحها و سایر پهنه‌های آبی می‌باشد (عرشیان، ۱۳۹۰) بین ۲۹ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۳۹ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷). از شمال به جمهوری ترکیه، از شمال غربی به کشور سوریه، از مغرب به اردن هاشمی، از جنوب غربی و جنوب به پادشاهی عربستان سعودی، از سوی جنوب شرقی به خلیج فارس و کشور کویت و جانب شرق نیز به کشور جمهوری اسلامی ایران محدود می‌شود.

از آن جایی که شیعیان از همان اوایل ظهور اسلام به این منطقه جغرافیایی وارد گشتند لذا مرور اجمالی تاریخچه این کشور برای این پژوهش به عنوان مقدمه بحث ضروری می‌نماید؛ بنابراین در این بخش به بررسی دگرگونی‌های اسمی و لفظی عراق و همچنین تاریخچه این کشور خواهیم پرداخت.

قدیمی‌ترین نامی که برای عراق امروزی به کار رفته سومر است که در هزاره پنجم تا هزاره سوم قبل از میلاد نام دولت و ملتی در جنوب عراق کنونی بوده‌است. پس از دولت‌های آکد در مرکز و جنوب، آشور در شمال و بابل در جنوب آن تأسیس گردید که به همین جهت به قسمت‌هایی از آن، مملکت آشور، مملکت اکد و مملکت بابل نیز می‌گفتند.

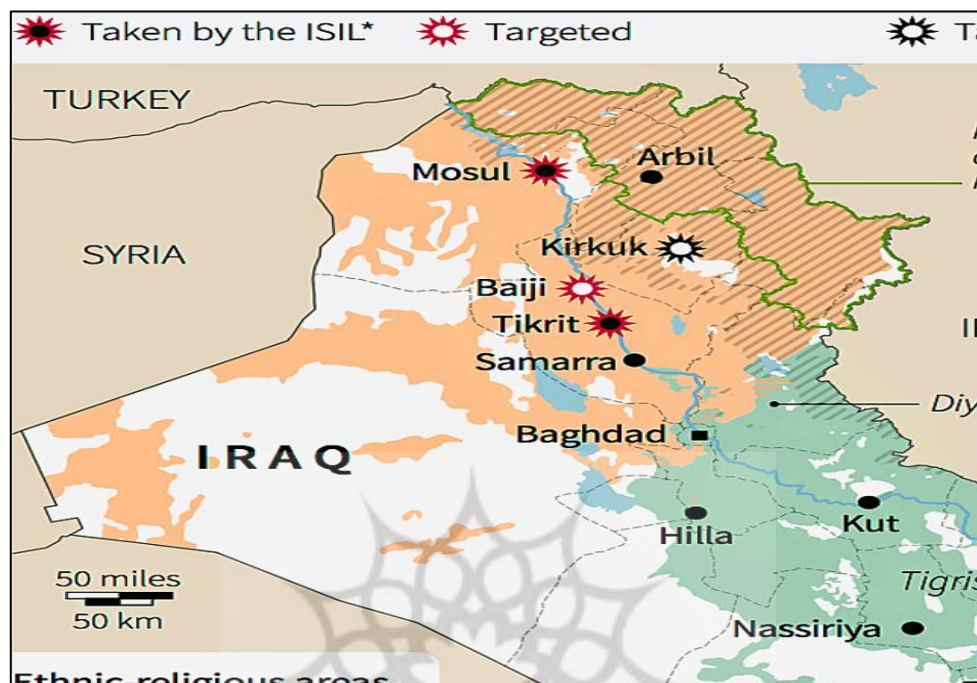
به دلیل جریان دو رود دجله و فرات، عراق را از قدیم بین‌النهرین نامیده‌اند؛ کلمه عراق به گونه‌ای که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد پس از فتح ایران به دست مسلمانان وضع و رایج گشته‌است. گروهی از لغت‌شناسان عراق را به معنای زمین ساحلی دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۷).. عراق در ابتدا به جنوب بین‌النهرین گفته می‌شد که مجاور خلیج فارس است (محبوب و یاوری، ۱۳۹۰: ۹۷). ابوبکر بن قاسم انباری از ابن‌عربی نقل می‌کند که: «أخبرنا علی بن أبي علي البصري قال أنبأنا إسماعيل بن سعيد المعدل قال قال أبو بكر محمد بن القاسم الأنباري قال ابن الأعرابي: إنما سمى العراق عراقاً لأنه سفلى عن نجد و دنا من البحر.» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۶۲). «همانا دلیل انتخاب اسم عراق به خاطر این است که منطقه‌ای است که پایین‌تر از زمین‌های بلند و بالاتر از دریا قرار گرفته است.» و قال قطرب: «إنما سمى العراق عراقاً لأنه دنا من البحر و فيه سبخ و شجر» (الحمیری، ۱۴۱۷: ۷۶). قطرب در وجه تسمیه عراق گفته است: عراق به جهت نزدیکی به دریا که در آن زمین‌های باتلاقی (هور) و درخت وجود دارد، نامیده شده است.

تاریخ عراق معاصر را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد که طی آن جریان‌های خاصی در عرصه اجتماعی و سیاسی به منصفه ظهور رسیدند. پنج دوره مذکور بدین شرح است:

۱. دوران گذار و کودتاهاى پی‌درپی (۱۹۳۰م - ۱۹۵۸م)
۲. دولت انقلابی عبدالکریم قاسم (۱۹۵۸ - ۱۹۶۳)
۳. کودتای ۱۹۶۳م و همکاری ملی‌ها و بعثی‌ها (۱۹۶۳ - ۱۹۶۸)
۴. کودتای ۱۹۶۸م حزب بعث تا سقوط صدام توسط نیروهای اشغالگر خارجی (۱۹۶۸م - ۲۰۰۳م)
۵. از تشکیل دولت شیعی تا امروز (۲۰۰۳م تا ۲۰۱۳م). یک دهه استقرار تفکر شیعی در صحنه سیاسی عراق. کسب شناخت از ویژگی‌های انسانی جغرافیای عراق، به عنوان ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی-سیاسی در این کشور، ضروری می‌نماید؛ لذا برای فهم جایگاه اجتماعی شیعیان در عراق ضروری است که بدانیم در کنار این جمعیت اکثریتی، چه گروه‌های اجتماعی دیگری با ویژگی‌های خاص خود در حال زندگی کردن هستند. کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر می‌باشد که از این میان ۱۶۰۹ کیلومتر با ایران، ۱۸۱ کیلومتر با اردن، ۲۴۰ کیلومتر با کویت، ۸۱۴ کیلومتر با عربستان سعودی، ۶۰۵ کیلومتر با سوریه و ۳۵۲ کیلومتر با کشور ترکیه مرز مشترک دارد، طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آب‌های آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر می‌باشد.^۱ اگرچه طول دسترسی به پهنه خلیج فارس را منبع فوق ۵۸ کیلومتر ذکر کرده ولی طبق محاسبات انجام شده از طرف

^۱ - WWW.Cia.gov/Iraq

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و بر اساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق بین ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌شود (بهمن، ۱۳۹۲).

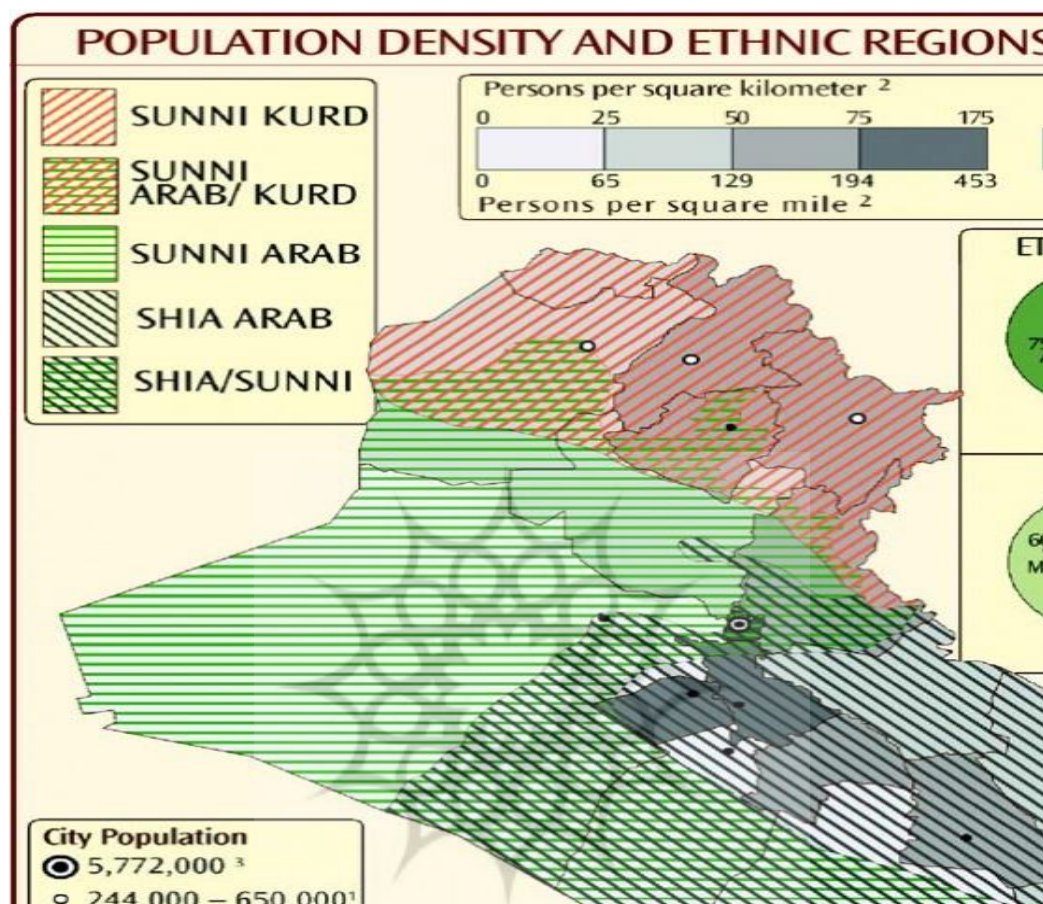


نقشه ۱- موقعیت مناطق کردنشین عراق
منبع: (https://www.businessinsider.com)

از سال ۱۹۹۱ و تشکیل حکومت دوافکتو در کردستان عراق، مرزهای جغرافیایی کردستان عراق شامل سه استان سلیمانیه، اربیل و دهوک بودند. این تقسیمات جغرافیایی بدنبال فروپاشی حزب بعث و تا سال ۲۰۱۴ همچنان ادامه داشته است؛ اما با ظهور گروه تروریستی داعش، قلمرو جغرافیایی کردهای عراق به استانهای نینوا، دیالی، صلاح الدین و کرکوک نیز تسری و به نوعی بعد از پیدایش داعش، ژئوپلیتیک کردستان عراق، گسترش یافته و با این توضیح که قلمرو خواهی کردهای عراق نه به سوی مرزهای شرقی خود با ایران بلکه عمق شمال عراق را نشانه رفته است؛ بنابراین مرزهای منطقه اقلیم کردستان در جنوب غرب تا ارتفاعات حمزین (حد فاصل بین تکریت و کرکوک)، در منتهی الیه شمال غرب، مرزهای سوریه (مناطق ربیعه و سلسله ارتفاعات شنگال) و مناطق جنوبی (مناطق خانقین، سعیدیه و مندلی). حریم‌های مذکور محل‌های مورد مناقشه ای قلمرویی بین حکومت مرکزی و منطقه اقلیم بوده که در حال حاضر در قلمرو کردستان عراق جای گرفته است (پزشک، ۱۳۹۴).

ساختار طبیعی عراق از نظر جغرافیایی و بحث تاریخی از سه قسمت متفاوت تشکیل شده است. نخست: با تلاقی رودهای دجله و فرات به هم و تا خلیج بصره که تشکیل یک دلتا را می‌دهند منطقه بغداد- بصره و اطراف آن را شامل می‌شود. در گذشته به این منطقه «عرب-عراقی» هم گفته می‌شده است، جایی که جمعیت اعراب دارای اکثریت مطلق هستند و این منطقه مرکزیت عراق را نیز تشکیل می‌دهد. دوم: سرزمینی که مابین دو رود دجله و فرات می‌باشد که به این سرزمین «الجزیره» گفته می‌شود و در منابع غربی بین النهرین نام این منطقه می‌باشد. قسمت

سوم: جایی که در شمال الجزیره و یا بین النهرین با نام شمال عراق که بیشتر سرزمین‌های کوهستانی را شامل می‌شود (پزشک، ۱۳۹۴).



نقشه ۲- توپوگرافی کشور و منطقه کردستان عراق

منبع: (<https://cosmolearning.org>)

مهم‌ترین رود منطقه رود دجله می‌باشد. در سرتاسر محدوده جنوب غرب منطقه کردستان عراق، از شمال به طرف جنوب جاری هست. در جنوب عراق با پیوستن به رود فرات، شط العرب نام گرفته و به دریا می‌ریزد. زاب بزرگ، با سرچشمه گرفتن از خاک ترکیه، وارد خاک عراق می‌شود. زاب کوچک، از ایران سرچشمه گرفته، وارد خاک عراق می‌شود، سد دوکان را پر کرده و به طرف جنوب و به رود دجله وارد می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۴).

کردستان عراق با دارا بودن ۱۷ درصد از مساحت عراق و ۲۸ درصد جمعیت این کشور موقعیت متمایزی را به لحاظ استراتژیکی در اختیار دارد. قرار گرفتن حدود ۵۰ درصد از ذخایر انرژی نفت و گاز عراق در مناطق کردنشین، در اختیار داشتن بخش‌های بالادست اکثر رودهای جاری در عراق نظیر دجله، زاب کبیر، زاب صغیر و دیاله (سیروان) و نیز داشتن وضعیت اقلیمی مناسب نسبت به بقیه مناطق کشور و به تبع آن بالا بودن تراکم جمعیت در آن و هم چنین عبور راه‌های ارتباطی زمینی و هوایی مناطق مرکزی و جنوبی عراق از کردستان به منظور ارتباط با ترکیه و سایر کشورهای اروپایی و ... همه باعث بالا رفتن وزن ژئوپلیتیکی کردستان عراق در این کشور شده است (حافظنیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

منطقه شمال عراق، با در اختیار داشتن استان‌هایی مانند اربیل، دهوک و سلیمانیه منطقه‌ای مستقل از دولت عراق می‌باشد. طبق گزارش رسمی مرکز آمار عراق در سال ۲۰۱۱ جمعیت منطقه ۴/۶ میلیون نفر بوده است. با توجه به افزایش جاذبیت منطقه، جمعیت این منطقه به سرعت در حال افزایش می‌باشد (پورسعید، ۱۳۸۸).

جدول ۱: شاخص‌های عمومی منطقه شمال عراق

نام رسمی	دولت منطقه‌ای کردستان
پایتخت	اربیل
مساحت	۳۸۶۵۰ کیلومتر مربع
جمعیت (۲۰۱۱)	۴/۶ میلیون
زبان رسمی	کردی و عربی
گروه‌های قومی	کرد، ترکمن، عرب و سایر
گروه‌های دینی	مسلمانان، مسیحیان، یزیدی و سایر
استان‌ها	اربیل، دهوک، سلیمانیه

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۲: جمعیت استان‌ها، ۲۰۱۱

استان‌ها	جمعیت شهری	کل جمعیت
اربیل	۱۳۴۱۱۲۷	۱۶۱۲۶۹۲
سلیمانیه	۱۵۹۵۵۲۸	۱۸۷۸۷۶۴
دهوک	۸۲۷۹۸۶	۱۱۲۸۷۴۵
مجموع	۳۷۶۴۶۴۱	۴۶۳۰۲۰۱

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)



نقشه ۳- استان‌های وابسته به کردستان عراق منبع: (<http://www.lib.utexas.edu>)

شمال عراق از نظر بحث قومیت هرچند منطقه‌ای دارای با تنوع اقوام می‌باشد ولی اکثریت منطقه در اختیار سه قوم کردها، ترکمن‌ها و اعراب هست.

کردها

در زمان حاضر برای ملی‌گرایان سیاسی کرد، این مردم از زمان‌های قدیم یک ملت بوده و در این امر نباید شک کرد. کردها بعد از یک زمان طولانی در قرن بیستم توانستند به خودآگاهی قومی برسند. برای این منظور ملی‌گرایان کرد برای اثبات هویت کردی داستان‌ها و سمبل‌هایی را برای روشن کردن این امر بکار گرفتند (Etem;2005:7). مردم کرد زندگی اجتماعی خود را بصورت عشیره‌ای دنبال می‌کنند. زندگی عشیره‌ای نیز بصورت فئودال اداره می‌شود. هر عشیره‌ای برای خود سبک زندگی، سنت و تفاوت زبانی را دارد. در مقابل تهاجم خارجی کردها با فرار به کوهستان-های اطراف خود را از اسیملاسیون حفظ کرده‌اند. سیستم عشیره‌ای تکیه به نظام خانواده و جغرافیا دارد. تعداد عشیره‌های منطقه مابین ۷۰-۸۰ می‌باشد. از عشیره‌های مهم کرد در منطقه می‌توان به عشیره‌های زیر اشاره کرد: عشیره دوسکی، عشیره موزورو، عشیره پرواری، عشیره گولی، عشیره سیندی، عشیره رزانی و عشیره زباری (Caykus;2005:85).

کردهای شمال عراق از نظر دینی سنی بوده و وابسته به مذهب شافعی هستند. در این منطقه از اطراف کرکوک تا خانقین و به طرف جنوب در داخل کردها، اقلیت شیعه نیز قرار دارند. در منطقه سلیمانیه و بارزان در ناحیه عمادیه اقلیت کرد مسیحی نیز زندگی می‌کنند (Islam Anisklopedisi;1994:1093). از نگاه زبانی، فرهنگی و اجتماعی کردهای منطقه همسانی زیادی به همدیگر ندارند. منطقه تحت حاکمیت بارزانی یعنی منطقه بهدینان دارای روابط فئودالی، ساختار زندگی بصورت عشیره‌ای و حاکم کردن این نوع ساختار در زندگی شهری. منطقه بدون وجود فعالیت صنعتی می‌باشد. در جنوب، منطقه سوران تحت نفوذ خانواده طالبانی، شهرهایی با جمعیت زیاد، ضعیف شدن رابطه فئودالی، شهری شد و فعالیت صنعتی رونق داشته و سلیمانیه بزرگترین شهر قسمت جنوب می‌باشد (Caykus;2005:83). رود زاب بزرگ این دو منطقه را از همدیگر جدا می‌کند. زبانی که در منطقه صحبت می‌شود با نام بهدینان و سورانی جدا می‌شود. لهجه بهدینان با کرمانج کردهای ترکیه نزدیکی دارد در حالیکه لهجه سورانی‌ها با لهجه کردهای ایرانی نزدیکی دارد (İKBAL;2006:37).

ترکمن‌ها

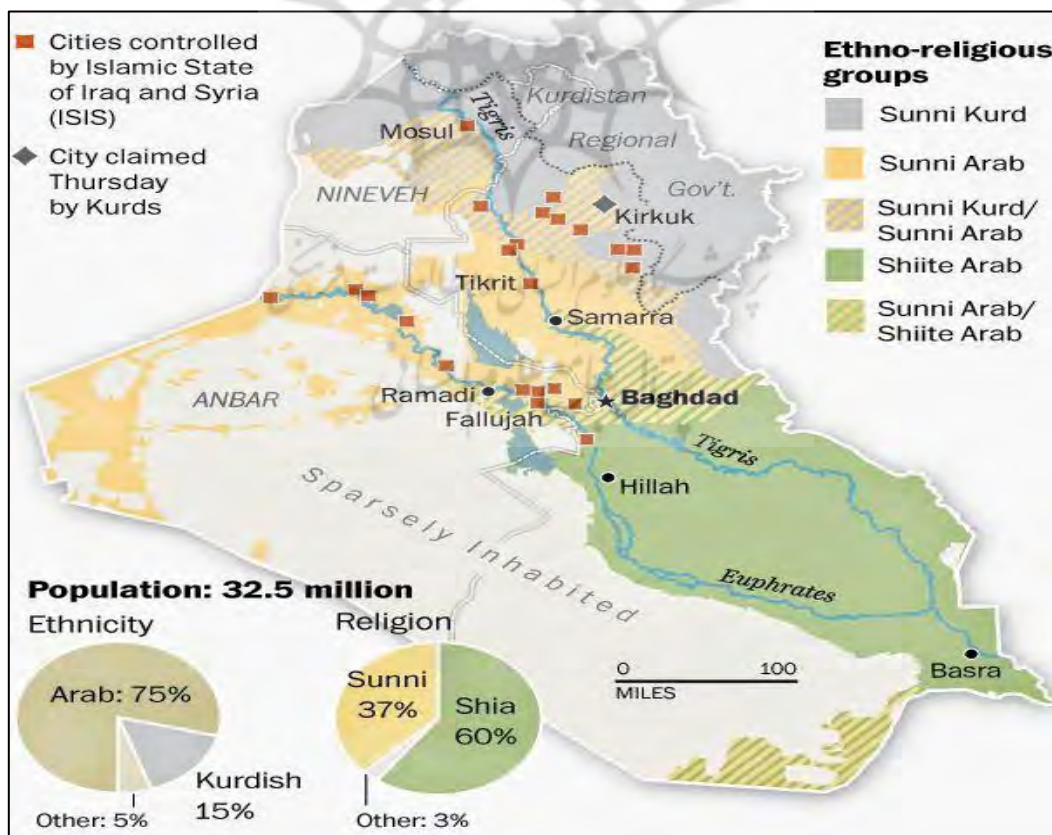
در دولت منطقه کردستان، ترکمن‌ها بعد از کردها از نظر جمعیت در رده دوم قرار دارند. ترکمن‌ها اگرچه در هر سه ولایت دولت کردستان عراق زندگی می‌کنند ولی بیشترین تعداد ترکمن‌ها در شهر اربیل ساکن هستند. گفتن شمار ساکنین ترکمن در شهر اربیل سخت می‌باشد ولی از هر سه یا چهار مغازه یکی متعلق به ترکمن‌ها می‌باشد. در سال ۱۹۹۰ مرکز بزرگترین و بانفوذترین حزب ترکمن‌ها، یعنی جبهه ترکمن‌های عراق در شهر اربیل قرار داشت که امروزه فقط چند حزب کوچک باقی مانده است. با از دست رفتن جایگاه جبهه ترکمن‌های عراق، مرکزیت این حزب به شهر کرکوک منتقل شد و نفوذ خود را در عراق از دست داد (ORSAM;2011:9). دفاتر جبهه ترکمن از واحدهای زیر تشکیل شده است: ۱- دفتر امنیتی؛ ۲- دفتر فرهنگی و آموزشی؛ ۳- دفتر سلامتی و اجتماعی؛ ۴- دفتر اطلاعاتی؛ ۵- پژوهش و برنامه‌ریزی؛ ۶- روابط بین‌الملل و سیاسی، (GÜNGÖR;2014:26). زبان ترکمن‌های عراق

ترکی می‌باشد و شباهت زیادی به زبان ترکی آذربایجانی دارد، اما از نظر لهجه تفاوت فراوانی دارند. ۹۶ درصد ترکمن‌ها مسلمان هستند، اکثریت اهل سنت می‌باشند و ۲۳ درصد شیعه هستند و هیچ دشمنی مابین دو مذهب وجود ندارد و تا به امروز در بین ترکمن‌ها هیچ‌گونه جدال مذهبی پیش نیامده است (Ibid:23).

سایر گروه‌های قومی

در دولت منطقه کردستان عراق گروه‌های قومی - دینی دیگری نیز زندگی می‌کنند، مانند عرب‌ها، ایزدی‌ها، آشوری - کلدانی‌ها. ایزدی‌ها علاوه بر عراق، در روسیه، گرجستان، سوریه، اتحادیه اروپا، آمریکا و در ترکیه (بسیار محدود) زندگی می‌کنند. کل جمعیت ایزدی‌ها در عراق بین ششصد و پنجاه تا هفتصد هزار تخمین زده می‌شود. دولت منطقه کردستان جمعیت ایزدی‌ها را حدود صد و پنجاه هزار نفر اعلام می‌کند. ایزدی‌ها از ساکنین قدیمی این منطقه هستند اما در مورد هویت و گذشته آنان نظرات مختلفی وجود دارد در بین این نظریات، نظریه‌ای که گذشته ایزدی‌ها را از کردها می‌داند و با دولت منطقه کردستان روابط حسنه‌ای دارد طرفداران بیشتری دارد (ORSAM;2011:9).

آشوری‌ها که در سال ۱۹۵۰، شش درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دادند این رقم در سال ۱۹۷۰ به ۳ درصد کاهش یافت. در زمان حاضر جمعیت آشوری‌ها حدود ۱۲۰ هزار نفر می‌باشد که ۸۵ هزار نفر متعلق به آشوری و ۳۵ هزار نیز به کلدانی‌ها تعلق دارد. اکثریت جمعیت آشوری‌ها زندگی روستایی دارند و در اطراف شهرهای دهوک، اربیل، زاهو، سلیمانیه ساکن هستند. از نظر دینی مسیحی و به چهار گروه متفاوتی از کلیسا تعلق دارند (Caykus;2005:94).



نقشه ۴- گروه‌های قومی در عراق

منبع: (https://www.pinterest.com)

در مجموع ۱۳ درصد از خاک عراق برای کشاورزی مناسب می‌باشد. بیشتر این خاک مرغوب مابین دو رود دجله و فرات قرار دارد. از کل جمعیت عراق ۳۰ درصد مشغول کارهای کشاورزی هستند. عراق با حدود ۱۱ درصد از ذخایر نفتی جهان اقتصاد متکی به نفت را دارد. طبق نظر کارشناسان عراق با داشتن ذخایر طبیعی و موقعیت جغرافیایی مناسب شرایط اقتصادی خوبی را در آینده برای خود رقم خواهد زد (Iraq Ülke El Kitabı;2003:61).

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

تعداد کل افراد تحقیق برابر با ۴۰۰ نفر است از این تعداد، ۵۱/۱ درصد را مردان و ۴۸/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

بر اساس یافته‌های جدول زیر؛ جوان‌ترین پاسخگو ۱۵ سال و مسن‌ترین ۸۸ سال دارد، میانگین سنی پاسخگویان ۴۱/۹ سال است و بیشترین پاسخگویان ۳۹ سال دارند.

همان‌گونه که در زیر، مشاهده می‌کنیم، ۴۳/۴٪ از افراد جمعیت نمونه تحصیلات متوسطه، ۱۱/۹ درصد، فوق‌دیپلم و فقط ۱/۱ درصد تحصیلات فوق لیسانس و دکترا دارند.

بر اساس یافته‌های جدول زیر، ۷۸/۴ درصد پاسخگویان متأهل، ۲۰/۹ درصد مجرد و ۰/۸ درصد بدون همسر بر اثر فوت یا طلاق‌اند و ۱/۸ درصد نیز پاسخ مشخصی نداده‌اند.

یافته‌های تحلیلی

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد که بین وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق و امنیت مرزهای ایران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- تاثیر وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق بر امنیت مرزهای ایران

شرح	وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق	امنیت مرزهای ایران	هر دو	سایر
تعداد	۱۳۹	۹۳	۷۴	۳۸
درصد	۴۰،۵	۲۷	۲۱،۵	۱۱

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

تحلیل روابط آماری میان وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق و امنیت مرزهای ایران که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، بر اساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان دهنده وجود تفاوت معنادار آماری میان متغیر وابسته وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق و متغیر مستقل امنیت مرزهای ایران است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، امنیت مرزهای ایران رابطه معناداری با شاخص وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق دارد و جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم است، بنابراین می‌توان گفت با افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق، چالش‌های امنیت مرزهای ایران هم افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۴- تحلیل روابط آماری رابطه میان وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق و چالش‌های امنیت مرزهای ایران، آزمون

همگونی کای دو

وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق				
کل	بلندمدت	میان مدت	کوتاه مدت	
چالش‌های امنیت مرزهای ایران	کم	متوسط	بالا	
۱۰۴	۵۶ (٪۵۴)	۲۸ (٪۲۶)	۲۰ (٪۲۰)	
۱۵۰	۴۵ (٪۳۰)	۷۵ (٪۵۰)	۳۰ (٪۲۰)	
۹۰	۲۰ (٪۲۲)	۲۴ (٪۲۶)	۴۶ (٪۵۱)	
۳۴۴	۱۲۱ (٪۳۵)	۱۲۷ (٪۳۶)	۹۶ (٪۲۷)	کل
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری	
ضریب همبستگی	۰,۶۵	۲	۰,۰۰	

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در ادامه و جهت پاسخ گویی به سوال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق بر روی شاخص امنیت مرزهای ایران پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد، وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق به صورت معناداری چالش‌های امنیت مرزهای ایران را با ضریب بتای ۰/۵۷ تقویت می کند.

جدول ۵- اثرات وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق بر چالش‌های امنیت مرزهای ایران

مدل	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد	تی	معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا	
وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق	۰,۴۵	۰,۱۲	۰,۵۷	۰,۳۴

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می توان گفت، شاخص وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق در شاخص امنیت مرزهای ایران مؤثر بوده، بنابراین افزایش یا کاهش وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق باعث بهبود یا کاهش چالش‌های امنیت مرزهای ایران شده است.

فرضیه ۲: به نظر می رسد بین رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق و چالش‌های امنیت اقتصادی ایران رابطه وجود دارد؛

جدول ۶- رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای و چالش‌های امنیت اقتصادی ایران

شرح	بله	خیر
تعداد	۲۴۰	۱۰۴
درصد	۶۹,۸	۳۰,۲

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۷- تحلیل روابط آماری میان رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای و شاخص افزایش میزان امنیت اقتصادی در ایران، آزمون همگونی کای دو

شاخص افزایش میزان امنیت اقتصادی در ایران				
کل	کم	متوسط	بالا	
رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای	کم	متوسط	بالا	
۱۰۴	۲۵ (٪۲۴)	۵۰ (٪۴۸)	۲۹ (٪۲۷)	
۱۵۰	۷۰ (٪۴۶)	۳۰ (٪۲۰)	۵۰ (٪۳۴)	
۹۰	۴۴ (٪۴۹)	۳۵ (٪۳۹)	۱۱ (٪۱۲)	
۳۴۴	۱۳۹	۱۱۵	۹۰	کل
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری	
ضریب همبستگی	-۰,۰۰۴	۲	۰,۳۵	

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در ادامه و جهت پاسخ گویی به سوال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای در عراق بر شاخص افزایش میزان امنیت اقتصادی در ایران پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد، افزایش میزان رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای پیش بینی کننده معناداری در افزایش میزان امنیت اقتصادی در ایران با ضریب بتای ۰/۰۷ است.

جدول ۸- اثرات افزایش میزان رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای بر روی شاخص چالش‌های چالش‌های امنیت ملی ایران در اقلیم

کردستان

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	تی	معناداری
	خطای استاندارد				
	B				
	خطای استاندارد	بتا			
افزایش میزان امنیت اقتصادی در ایران	۰،۰۴	۰،۰۲	۰،۰۷	۱،۳۲	۰،۱۸

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می توان گفت، شاخص افزایش میزان تنش‌های قومی مذهبی در عراق در شاخص چالش‌های چالش‌های امنیت ملی ایران در اقلیم کردستان مؤثر بوده، بنابراین افزایش میزان تنش‌های قومی مذهبی در عراق باعث افزایش چالش‌های چالش‌های امنیت ملی ایران در اقلیم کردستان شده است.

فرضیه ۳: به نظر می رسد بین نقش آفرینی قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای و امنیت ملی در ایران رابطه وجود دارد.

تماس‌های جداگانه قومیت‌ها و گروه‌های سیاسی با یکدیگر و یا با کشورهای خارجی در غالب‌های جداگانه و مستقل از وزارت امور خارجه و خارج از عرف دیپلماتیک و دولتی است. برای مثال، اتحاد استراتژیک رژیم صهیونیستی با کردهای شمال عراق در برابر اعراب سنی این کشور موجبات تهدید ترکیه و تنش در روابط ترک‌ها با این رژیم را فراهم کرده است. در عراق نیز برای مثال، نزدیکی و ائتلاف سنی‌ها و نوبعثی‌ها، موجب دوری کردها و شیعیان میانه رو، از آنها می شود و یا ائتلاف سنی‌ها و شیعیان ملی گرا، شیعیان اسلام گرا و کردها را با احساس تهدیدشدگی مواجه می کند. این واقعیت موجب می شود برقراری تعادل قومیتی در عرصه سیاسی و حکومت عراق که راهبرد ناگزیر دموکراسی سازی در این کشور است، بسیار دشوار و هر تعادلی در این عرصه شکننده و ناپایدار باشد. به همین دلیل بود که ایالات متحده، پس از چهار سال حضور سیاسی- نظامی در عراق، از تلاش برای الگوسازی عراق به عنوان سرمشق دموکراتیک کشورهای خاورمیانه دست کشید و راهبرد خود در این کشور را تغییر داد. در واقع، ایالات متحده می پنداشت به سبب سرشت ماکت گونه عراق در قبال خاورمیانه، سرنوشت هر یک از گروه‌های اجتماعی این کشور می تواند آینه ای برای اقوام و مذاهب متناظرشان در دیگر کشورهای منطقه باشد، اما منطق معما گونه و تنوع الگوهای دوستی و دشمنی در عراق، به این خوشبینی پایان داد و بوش در استراتژی پیشنهادی خود به کنگره در سال ۲۰۰۷، به صراحت اعلام کرد ایالات متحده به دنبال نوعی راه حل منطقه ای برای مسئله عراق است. به بیان دیگر، ایالات متحده تصمیم گرفت نوع بازی خود را در عراق، از بازی ایدئولوژیک به رقابت یا همکاری با دیگر بازیگران منطقه ای بر سر گسترش حوزه نفوذ در عراق، تغییر دهد.

یکی از دلایل چند دور مذاکره این کشور با جمهوری اسلامی ایران در عراق همین تغییر محیط بازی بود. همچنان که نتایج این تغییر در دومین انتخابات پارلمانی عراق جدید در هفتم مارس ۲۰۱۰، نشان گر تلاش سه ساله آمریکا در این خصوص بود. در این انتخابات فهرست عراقیه شامل برخی شیعیان سکولار، سنی‌ها، نوبعثی‌ها و ترکمن‌ها؛ نودویک کرسی از مجموعه سیصدویست و پنج کرسی پارلمان را بدست آوردند و مقام نخست را در میان فهرست‌های موجود کسب نمودند. بیشترین رای دهندگان به این فهرست اعراب اهل سنت بودند و کشورهای عربستان، سوریه، ترکیه، اردن، مصر و امارات متحده عربی از این فهرست حمایت می کردند. ایالات متحده بطور علنی و رسمی از این ائتلاف در جریان انتخابات، حمایت نکرد، اما پس از آن تلاش نمود ائتلافی میان فهرست عراقیه و ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی که ۸۹ کرسی را در انتخابات بدست آورده بود و شیعیان ملی‌گرا را نمایندگی می کرد، برقرار کند. (خسروی، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۶)

جدول ۹- رابطه نقش آفرینی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای و امنیت ملی در ایران

شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
تعداد	۱۲۹	۸۳	۶۰	۲۱	۲۱
درصد	۳۷,۵	۲۴,۱	۱۷,۵	۶,۱	۶,۱

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

تحلیل روابط آماری میان میزان نقش آفرینی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای و شاخص امنیت ملی در ایران که از طریق تحلیل خوشه ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا انجام شده است، براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته امنیت ملی در ایران و متغیر مستقل چالش‌های امنیت ملی ایران است. بررسی‌ها نشان می دهد، چالش‌های امنیت ملی ایران رابطه معناداری با شاخص امنیت ملی در ایران دارد. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم است، بنابراین می توان گفت با افزایش میزان توسعه گردشگری (توریسم)، شاخص امنیت ملی در ایران هم تغییر پیدا می کند.

جدول ۱۰- تحلیل روابط آماری میان نقش آفرینی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای و امنیت ملی در ایران ؛ کای دو

نقش آفرینی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای	امنیت ملی در ایران		کل
	کم	متوسط	
کم	۶۰ (۵۸٪)	۲۴ (۲۳٪)	۱۰۴
متوسط	۳۶ (۲۴٪)	۷۴ (۴۹٪)	۱۱۰
بالا	۱۵ (۱۶٪)	۲۳ (۲۵٪)	۹۰
کل	۱۱۱	۱۲۱	۲۳۲
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
	۰,۴۸	۲	۰,۰۰

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در ادامه و جهت پاسخ گویی به سوال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات نقش آفرینی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای بر روی شاخص امنیت ملی در ایران پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد، نقش آفرینی قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای به صورت معناداری شاخص امنیت ملی در ایران با ضریب بتای ۰/۲۵ را پیش بینی می کند.

جدول ۱۱- اثرات نقش آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر امنیت ملی در ایران

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	تی	معناداری
	B				
	خطای استاندارد	بنا			
نقش آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	۰،۰۰۸	۰،۰۰۵	۰،۲۵	۲،۰۱	۰،۰۰

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص نقش آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در شاخص امنیت ملی در ایران مؤثر بوده، بنابراین افزایش نقش آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باعث تغییر شاخص امنیت ملی در ایران شده است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

خاورمیانه، در سال‌های اخیر به‌خصوص از سال ۲۰۱۱ به بعد تبدیل به منطقه‌ای شده است که متأثر از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با وضعیت هرج و مرج گونه‌ای مواجه است که می‌توان آن را نمونه‌ای از وضعیت آنارشیک حاکم بر منطقه دانست. از آنجایی که سیستم منطقه‌ای، آنارشیک است، دولت‌هایش به ناگزیر برای تأمین امنیت، در تکاپوی افزایش قدرت‌اند. در یک سیستم آنارشیک و خودیار، دولت‌ها، تنها با توسل به قدرت‌شان می‌توانند نسبت به بقای خود خاطر جمع شوند. افزایش قدرت دولت‌ها یا با توسل به منابع درونی و یا از طریق پیوستن به متحدین بیرونی است که انجام می‌پذیرد؛ اما تلاش یک دولت برای افزایش قدرت ممکن است تبعاتی ناخواسته برای امنیت دیگر دولت‌ها داشته باشد و دولت‌ها هرگز نمی‌توانند نسبت به نیات و مقاصد یکدیگر مطمئن شوند. علاوه بر شرایط آنارشیک، در خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین وجود ذخایر و منابع عمده معدنی و نفتی به مکانی برای منازعه و رقابت بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است که هر کدام از قدرت‌ها چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌الملل تلاش می‌کنند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که منافع حداکثری خود را تأمین کنند.

در سطح بین‌الملل و در نتیجه تغییرات به وجود آمده در سیاست خارجی آمریکا در دوره اوباما و تمرکز بر منطقه آسیا و همچنین کشف میدین نفتی در آمریکا، از اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا کاسته شد. در راستای تمایل دولت اوباما برای کاهش مداخله در مسائل پیچیده خاورمیانه، در چهارچوب سیاست برقراری توازن منطقه‌ای، واشنگتن دست دولت‌های متحد خود در منطقه خاورمیانه یعنی عربستان سعودی را باز گذاشت تا با هزینه خود و بدون دخالت و حضور آمریکا در منطقه، نظم مورد نظر خود و آمریکا را ایجاد و حفظ کنند (پوراحمدی و منصوریان، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۶)،

نتایج بررسی پژوهش نشان می‌دهد که ۳۷۱ نفر از جامعه آماری پژوهش نیز معتقدند که رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق، امنیت مرزهای ایران را با چالش مواجه کرده است. همچنین ۲۷ درصد از پاسخگویان نیز وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق را بر امنیت مرزهای ایران در آن منطقه مؤثر می‌دانند و حدود ۲۱ درصد از پاسخگویان نیز هر دو عامل در کنار هم را در بروز امنیت مرزهای ایران مؤثر می‌دانند؛ بنابراین فرضیه فوق تائید می‌گردد و نتایج آن نیز با نتایج تحقیقات زارعی و رنجبری

چیچوران (۱۳۹۶)، شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۷)، بوژمهرانی و پور اسلامی (۱۳۹۳)، سردارنیا و مهرآبادی (۱۳۹۴) و آذین و بیاتی (۱۳۹۷) سازگاری و همخوانی دارد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۲۴۰ نفر معادل حدوداً ۶۹/۸ درصد از پاسخگویان جامعه آماری پژوهش معتقدند که بین رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق و چالش‌های امنیت اقتصادی ایران رابطه وجود دارد. در مقابل ۳۰/۲ درصد نیز قائل به رابطه‌ای بین این دو نیستند بنابراین می‌توان گفت که این فرضیه تأیید می‌شود. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های پژوهش‌های میری و انصاری (۱۳۹۱)، ازغندی و کرمی (۱۳۹۶)، ایوبی (۱۳۷۷)، احندی و اسماعیل‌زاده (۱۳۹۳)، عبدالمهی و حسین‌بر (۱۳۸۵)، واتق و همکاران (۱۳۹۵)، سیمبر و مرادی کلادره (۱۳۹۴) و اخباری و همکاران (۱۳۹۴) سازگاری دارد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۱۲۹ نفر معادل ۳۷/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که بین نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و امنیت ملی در ایران رابطه وجود دارد و تنها ۲۱ درصد قائل به رابطه کم و بسیار کم بین این دو متغیرند؛ بنابراین می‌توان گفت این فرضیه نیز تأیید می‌گردد. نتایج بررسی این فرضیه با یافته‌های پژوهش‌های دهشیری و غفوری (۱۳۹۴)، مظاهری (۱۳۹۸)، التیامی نیا (۱۳۹۲)، اقاچری و کریمی (۱۳۹۴)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۷)، فرجی راد و هاشمی (۱۳۹۵)، نیاکوئی و حاجی (۱۳۹۶)، حسینی و همکاران (۱۳۹۵) و شجاعیان و همکاران (۱۳۹۶) سازگار می‌باشد.

منابع

- اسماعیل‌زاده، یاسر و حسنعلی احمدی (۱۳۹۵)، داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، پاییز، شماره ۱۸، صفحات ۱۴۱-۱۲۳.
- ایزدی، پیروز (۱۳۹۳)، جهادیون افراطی و امنیت اروپا»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، زمستان، شماره ۴، صفحات ۱۸۵-۱۵۷.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۰)، راهبردهای تحقق تعامل موثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، بهار ۱۳۹۰، شماره ۳، صفحات ۶۷-۴۳.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۹۶)، سناریوهای تروریسم در عصر پسدادعش، گفتگو از عبدالرحمن فتح‌اللهی، روزنامه ایران، شماره ۶۵۵۱، سوم مرداد.
- بهمن، شعب (۱۳۹۲)، چالش‌ها و پیامدهای بحران سوریه بر وضعیت امنیتی اورآسیا»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال چهاردهم، زمستان، شماره ۵۶، صفحات ۱۷۴-۱۳۷.
- پزشک، علی (۱۳۹۴)، مواضع و عملکرد جریان‌های سلفی سیاسی و سلفی جهادی در قبال جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی داعش و حزب‌النور مصر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی.
- پورحسن، عباس (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر بحران سوریه بر امنیت ملی دولت جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)، تحول تروریسم در روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۴۶، صفحات ۱۷۰-۱۴۵.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۵)، تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، زمستان، شماره ۳۴، صفحات ۸۵۵-۸۲۱.

- ترک زاده، محمود (۱۳۹۴)، گسترش اندیشه داعش در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- جلالی، سعید و محمد نبی ابراهیمی (۱۳۹۳)، امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر و تأثر احزاب سلفی-تکفیری کردستان عراق و کردستان ایران، تهران، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور.
- جهانی، محمد (۱۳۹۲)، تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش سلفیت، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، پائیز، شماره ۲۰، صفحات ۴۳-۵۰.
- حاجی میرزا، علیرضا (۱۳۹۲)، تأثیر بحران سوریه بر استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- حدادپور، امیر (۱۳۹۵)، فرصت‌ها و چالش‌های ایران در بحران‌های جهان اسلام با تأکید بر بحران سوریه و عراق، مجموعه مقالات همایش بحران‌های ژئوپلیتیک در جهان اسلام، تهران، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، زمستان، شماره ۴، صفحات ۱۲۴-۸۱.
- خوجم، عبدالوهاب (۱۳۹۲)، تبیین موقعیت ژئوپلیتیک ایران، فصلنامه نگین ایران، دوره یازدهم، بهار، شماره ۴۴، صفحات ۸۶-۷۱.
- ذکی، یاشار و دیگران (۱۳۹۵)، بحران سوریه و اهداف مداخله آمریکا در این کشور، مجموعه مقالات همایش بحران‌های ژئوپلیتیک در جهان اسلام، تهران، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
- ذوقی و دیگران (۱۳۹۰)، تحلیل ژئوپلیتیک سوریه: بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه، مجله سیاست دفاعی، سال بیستم، زمستان، شماره ۷۷، صفحات ۲۱۴-۱۹۵.
- رجبی، امیرحسین (۱۳۹۶)، سوریه و فضای پسا داعش، روزنامه اطلاعات، هشتم تیر ماه.
- رحیمی، امید و مهدی جواهری (۱۳۹۵)، بررسی نقش بنیادگرایی اسلامی در همگرایی امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی پس از بحران سوریه، مجموعه مقالات همایش بحران‌های ژئوپلیتیک در جهان اسلام، تهران، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
- رضایان، احد (۱۳۹۴)، پایگاه اجتماعی داعش در عراق و آینده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال هفدهم، زمستان، شماره ۱، صفحات ۷۹-۵۳.
- رضایی، رسول (۱۳۹۴)، تأثیرات ظهور گروه تروریستی داعش در خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات هم‌دلی اقوام ایرانی، سنندج، دانشگاه کردستان.
- رضایی، علیرضا و امیر حشمتی (۱۳۹۵)، نئوتروریسم با تأکید بر تروریسم مذهبی، فصلنامه حبل‌المتین، دوره پنجم، بهار، شماره ۱۴، صفحات ۶۸-۴۶.
- زارعان، احمد (۱۳۹۳)، زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، تابستان، شماره ۲۳، صفحات ۹۶-۶۷.
- سنایی، اردشیر و مونا کاویانپور (۱۳۹۵)، ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره نهم، تابستان، شماره ۳۴، صفحات ۱۶۶-۱۴۵.
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹)، سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره سیزدهم، بهار، شماره ۴۷، صفحات ۱۲۲-۹۵.
- شهبازی، حسین (۱۳۹۴)، راهبرد آمریکا در سوریه و عراق پس از ظهور داعش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- Saudi Relations", *Discourse: An Iranian Quarterly*, Vol.2, No. 2, Fall2000, pp. 156-157.
- Patrick Clawson." Could sanctions works Against Tehran?, "Middle East Quarterly, Winter2007
- Mehran Kamrava, "The United States and Iran: A Dangerous but Contained Rivalry", The Middle East Institute Policy Brief, No.9, March 2008.
- Kenneth Katzman, "Iran: Current Development and U.S. Policy", Congressional Research Service, Foreign Affair, Defense and Trade Division, Update April 25, 2003.
- Vali Nasr and Ray Takeyh, "The Costs of Containing Iran", *Foreign Affairs*, January/February 2008
- Henry Sokolski and Patrick Clawson, "Getting Ready a Nuclear-Ready Iran", The Strategic Studies Institute, October2005, pp1- 2.
- The Atlantic Council of the United States, "Thinking Beyond The Stalemate in US Iranian Relations", *Policy Review*, Volume 1, May 2001.
- Onis, Ziya(2007).*Turkish Politics in a Changing World Global Dynamics and Domestic Transformations*. Istanbul: Bilgi University Press.
- Benli, Altunisik(2008).*“The Possibilities and Limits of Turkey’s Soft Power in the Middle East”*. *Insight Turkey*, Vol.10 (2).
- Cetinsaya, Gokhan(2007).*“Turkish- Iranian Relations since the Revolution”*. *Turkish Review of Middle East Studies*, Vol. 26 (2).
- Unger, David(2016).*“The Foreign Policy Legacy of Barack Obama”*. *the International Spectator*, Vol. 51(4).
- Wendy, Kristiansen(2010).*“Turkey’s Soft Power Successes”*. *Le Monde Diplomatic*, Vol.4 (7).
- Abdel Maguid, Mohamed(2017).*“Arab League Seeks Anti-Iran UN Security Council Resolution”*. Available at: www.egypttoday.com/Article
- Clinton, Hillary(2011).*“America’s Pacific Century”*. Available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles>.
- David, Javier E(2017).*“US-Saudi Arabia seal weapons deal worth nearly \$110 billion immediately, \$350 billion over 10 years”*. Available at: <https://www.cnbc.com>.
- Gady, Franz-Stefan(2016).*“Iran and Russia Negotiating \$10 Billion Arms Deal”*. available at: <https://thediplomat.com>.
- Hardy, Catherine(2017).*“Saudi Arabia and Russia sign arms deal”*. available at: www.euronews.com.
- Kasapoglu, Can(2017).*“Why Turkey might Buy Russia's S-400 Defence System”*. Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/>.
- McInnis, J. Matthew(2016).*“Can Saudi Arabia really ‘share the neighborhood’ with Iran?.* available at: <http://nationalinterest.org/blog>.
- Nasseri, Ladan(2017).*“Rouhani Urges Saudi Arabia to Avoid Teaming Up With U.S. and Israel”*. available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles>.
- Özkök, Ali & Özkizilcik, Ömer(2017).*“Turkey Seeks to Expand its Influence in Syria”*. available at: <https://rusi.org/commentary>.
- the Guardian(2017).*“Iran's President says Saudi Arabia behind Hostility in Region”*. available at: <https://www.theguardian.com>.
- TRT World(2017).*“Turkey's Defence Budget Raised by Nearly 50 Percent”*. available at: www.trtworld.com/turkey.